یکشنبه اول مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۳۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

رهبر انقلاب در سالروز میلاد پیامبر اسلام(ص) از لزوم قطع ارتباط اقتصادی کشورهای اسلامی با اسرائیل گفتند

قدم اول اتحاد

همزمان با سالروز میلاد حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(ص) و حضرت امام صادق(ع)، رهبر انقلاب اسلامی با جمعی از مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت و همچنین قشرهای مختلف مردم دیدار کردند. در ادامه مشروح بیانات رهبر انقلاب را از نظر می‌گذرانید.

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسانٍ الی یوم الدّین.

خوشامد عرض می‌کنم به همه برادران و خواهران عزیز و میهمانان هفته وحدت و نمایندگان کشورهای اسلامی در تهران، و تبریک عرض می‌کنم میلاد نبی اعظم (صلّی‌الله علیه و آله و سلّم) و حضرت امام صادق (سلام‌الله علیه) را و امیدواریم ان‌شاءالله خداوند متعال این روز را عید قرار بدهد و مبارک کند برای ملت ایران و همه امت اسلامی و مسلمانان جهان. تشکر می‌کنم از آقای رئیس جمهور محترم‌مان که نکته اصلی و مهم امروز را ایشان در بیانات خوب خودشان بیان کردند؛ مساله «وحدت اسلامی» که بنده هم اشاره خواهم کرد؛ ان‌شاءالله.

روز میلاد پیغمبر (علیه و آله السّلام) یک روز استثنائی است در تاریخ. علت هم این است که ولادت نبی مکرم، مقدمه ضروری و لازم نبوت ختمیه است و نبوت ختمیه درواقع نسخه نهایی و کامل برای سعادت و تعالی بشر است؛ بنابراین روز میلاد، روز بسیار مهمی است.

من یک جمله، یک کلمه درباره این حرکت عمومی پیامبران عرض کنم. اگر ما حرکت عام تاریخ بشر را تشبیه کنیم به یک کاروان که در راهی در حرکت است و بشر در این حرکت تاریخی در مسیر زمان، در بستر زمان درحال حرکت و پیشرفت است، قطعا کاروان سالار و راهبر این کاروان، انبیای الهی‌اند. انبیای الهی، هم راه را نشان می‌دهند، هم قدرت تشخیص جهت یابی را در آحاد انسان و در افراد انسان تقویت می‌کنند. صرفا راه نشان دادن نیست، [بلکه] قدرت و توانایی تشخیص را در آحاد بشر بالا می‌برند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السّلام): لِیَستَأدوهُم میثاقَ فِطرَتِه وَیُذَکِّروهُم مَنسِیَّ نِعمَتِهِ... وَیُثیروا لَهُم دَفائِنَ العُقول. با مردم این جور رفتار می‌کنند؛ فطرت را بیدار می‌کنند، نیروی خردورزی و اندیشه را فعال می‌کنند، به کار می‌اندازند و بشر به این وسیله می‌تواند به طرف جلو حرکت کند. البته درطول زمان، در برهه‌هایی افراد این کاروان، یعنی آحاد بشر، به حرف انبیا گوش کردند، راهی را که آنها نشان دادند، رفتند و نتایجش را دیدند؛ در برهه‌هایی هم به عکس، در مقابل انبیا ایستادند، به حرف آنها توجه نکردند، هدایت آنها را نادیده گرفتند، آنجا هم تبعات و نتایج سوءاش را مشاهده کردند؛ همین گونه‌گونی‌ها در تاریخ بشر که گاهی بعضی هدایت شده‌اند، بعضی هدایت نشده‌اند، این عوارض حیات تاریخ بشر را به وجود آورده؛ یعنی جبهه‌بندی‌ها، تعارض‌ها، حق و باطل‌ها، ایمان‌ها و کفران‌ها را به وجود آورده؛ تصویر کلی تاریخ بشر این است.

انبیا این هدایت و رعایت و کمک به بشر و این دعوت را هم به طرق مختلفی انجام دادند؛ قرآن همه این طرق را در بخش‌های مختلف بیان فرموده؛ حالا من چند موردش را مثلا عرض بکنم. یک جا «وَ ما عَلَینا اِلّا البَلاغُ المُبین» است. [می‌فرماید] پیغمبر وظیفه‌اش «رساندن» است؛ فقط همین؛ وَ ما عَلَینا؛ غیر از این چیز دیگری، وظیفه‌ای ندارد؛ در یک شرایطی این جوری [است]؛ اما در یک شرایطی هم «ما اَرسَلنا مِن رَسولٍ اِلّا لِیُطاعَ بِاِذنِ الله»؛ باید مورد «اطاعت» قرار بگیرد؛ یعنی تشکیلات سیاسی درست کند، جامعه را حرکت بدهد و موظفند گوش کنند، اطاعت کنند و مانند اینها. یک جا می‌فرماید: «اُدعُ اِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالحِکمَةِ وَ المَوعِظَةِ الحَسَنَةِ وَ جادِلهُم بِالَّتی هِیَ اَحسَن»؛ شیوه دعوت می‌شود این؛ یک جا هم می‌فرماید: «وَ کَاَیِّن مِن نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثیرٌ فَما وَهَنوا لِما اَصابَهُم فی سَبیلِ الله» تا آخر. یک جا زبانِ خوش است، یک جا قدرت نظامی است؛ بسته به شرایط است. یا در یک جا می‌فرماید: «فَبِما رَحمَةٍ مِنَ الله لِنتَ لَهُم وَلَو کُنتَ فَظّاً غَلیظَ القَلبِ لَانفَضّوا مِن حَولِک.» تعبیر «غلظت» را در اینجا به کار می‌برد: «غَلیظَ القَلب»؛ اگر این جور بود، نمی‌توانستی این حرکت را انجام بدهی. یک جا دیگر می‌فرماید: «جاهِدِ الکُفّارَ وَ المُنافِقینَ وَ اغلُظ عَلَیهِم»؛ همان «غلظت» را توصیه می‌کند. بنابراین شیوه دعوت یک جور نیست. شیوه دعوت پیغمبران در شرایط مختلف، در زمان‌های و مکان‌های مختلف تفاوت پیدا می‌کند. اینکه می‌گوییم عقل بشر را بالا ببرند، قدرت تشخیص را بالا ببرند، معنایش همین است که در هر زمانی ببینند چگونه می‌توانند این دعوت را اشاعه بدهند، این دعوت را پیش ببرند. خب اینهایی که عرض کردیم، توصیف است. در این کاروان عظیم تاریخ بشر گفتیم انبیا کاروان سالارند؛ درخلال سلسله این راهبران و قافله سالاران، بدون تردید کاروان سالار حقیقی و نهایی و اصلی، وجود مقدس حضرت محمد مصطفی (صلّی‌الله علیه و آله) است. به قول آن عارف بزرگ:

در این ره انبیا چون ساربانند / دلیل و رهنمای کاروانند
وز ایشان سید ما گشت سالار / هم او اول، هم او آخر در این کار

«اول» است، چون در مقدم صفوف پیغمبران الهی قرار دارد؛ «آخر» است، چون کامل‌ترین و نهایی‌ترین برنامه الهی را به بشریت عرضه می‌کند.

خب، روز میلاد پیغمبر طبعا روز طلوع این خورشید است، روز رونمایی از این گوهر بی‌همتای عالم وجود است؛ بنابراین روز بزرگی است، روز مهمی است. ما نباید روز میلاد پیغمبر را دست‌کم بگیریم. خب باید درس بگیریم؛ صرف توصیف و تمجید که کفایت نمی‌کند. درس پیغمبر، یک درس کامل و جامع و همه جانبه است که برای همه زندگی است؛ هر بخشی از این، قابل تبیین و تشریح و توصیف فراوان است.

یکی از این درس‌های زندگی پیغمبر و دعوت پیغمبر را ـ که شاید یکی از بزرگ‌ترین درس‌های نبوی برای ما این است ـ من عرض می‌کنم و آن عبارت است از: امت‌سازی؛ تشکیل «امت اسلامی». آن مبارزات سیزده‌ساله مکه منتهی شد به هجرت که پایه‌گذاری امت اسلامی است. امت اسلامی با هجرت کلید خورد، با سختی‌ها و دشواری‌ها و گرسنگی‌ها و سختی‌های اهل صُفّه و مردم مدینه ـ که مهاجرشان یک جور، انصارشان یک جور [سختی کشیدند] ـ ادامه پیدا کرد؛ با مجاهدت‌ها، مبارزه‌ها، فداکاری‌ها امت اسلامی تحکیم شد؛ با فداکاری‌هایی که در دوران حیات مبارک پیغمبر انجام گرفت و گذشت‌ها و ایثارهایی که بعد از رحلت آن بزرگوار انجام گرفت، این امت پایدار ماند. البته بهتر از آنکه اداره شد می‌توانست اداره بشود لکن امت اسلامی به‌عنوان یک امت که بنای آن را پیغمبر اکرم در مدینه با جمعیت محدود گذاشته بود، باقی ماند. ما امروز به این درس احتیاج داریم؛ ما امروز فاقد امت اسلامی هستیم. کشورهای اسلامی زیادند، نزدیک دومیلیارد مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند اما عنوان «امت» را نمی‌توان بر این مجموعه گذاشت؛ چون هماهنگ نیستند، چون یک جهت نیستند.

امت یعنی مجموعه انسان‌هایی که در یک جهت، به سوی یک هدف، با یک انگیزه دارند حرکت می‌کنند؛ ما این جور نیستیم، ما متفرقیم. نتیجه این تفرق، سلطه دشمنان اسلام است؛ نتیجه این تفرق این است که فلان کشور اسلامی احساس می‌کند اگر بخواهد خودش را نگه دارد، باید به آمریکا تکیه کند؛ اگر متفرق نبودیم، این نیاز احساس نمی‌شد. ما می‌توانستیم پشت درپشت هم، دست در دست هم از امکانات یکدیگر استفاده کنیم، به هم کمک کنیم، یک «واحد» را تشکیل بدهیم؛ این واحد از همه قدرت‌های امروز دنیا می‌توانست قوی‌تر باشد. کما اینکه یک روز این جوری بود؛ با همه اشکالات و ایرادهایی که در آن وضع وجود داشت، درعین حال چون یکی بودند، قدرت محسوب می‌شدند؛ ما امروز این جور نیستیم. این بزرگ‌ترین درس امروز ما است؛ باید به هم نزدیک بشویم.

ما امروز نیازمند تشکیل امت اسلامی هستیم، یعنی باید دنبال این برویم. چه کسی می‌تواند در این زمینه کمک کند؟ دولت‌ها می‌توانند تأثیر بگذارند؛ البته انگیزه در دولت‌ها خیلی قوی نیست. آنهایی که می‌توانند این انگیزه را قوی کنند، خواص دنیای اسلامند؛ یعنی همین شماها: سیاستمداران، علما، دانشمندان، دانشگاهیان، طبقات بانفوذ و صاحب فکر، شعرا، نویسندگان، تحلیلگران سیاسی و اجتماعی. اینها می‌توانند اثر بگذارند. فرض بفرمایید اگر ده سال همه مطبوعات دنیای اسلام روی اتحاد مسلمین تکیه کنند، مقاله بنویسند، شاعر شعر بگوید، تحلیلگر تحلیل کند، استاد دانشگاه تبیین کند، عالم دینی حکم کند، بلاشک درطول این ده سال وضعیت به‌کلی عوض خواهد شد؛ ملت‌ها که بیدار شدند، ملت‌ها که علاقه‌مند شدند، دولت‌ها ناچار می‌شوند در آن جهت حرکت بکنند. خواص می‌توانند این کار را انجام بدهند؛ این وظیفه ماست.

البته این حرفی که بنده عرض می‌کنم ـ ایجاد این وحدت و تشکیل امت اسلامی ـ دشمنانی دارد؛ دشمنان اسلام؛ روی «دشمنان اسلام» فکر کنید، تکیه کنید؛ دشمن فلان کشور، مهم نیست؛ کسانی هستند که دشمن اسلامند، ولو به یک بخشی از مسلمین به ظاهر خودشان را نزدیک می‌کنند برای اینکه یک بخش دیگر را نابود کنند اما درواقع دشمن اسلامند؛ اینها نمی‌خواهند این امت اسلامی تشکیل بشود؛ اینها نمی‌خواهند این اتحاد به وجود بیاید؛ اینها گسل‌های مذهبی درون دنیای اسلام را فعال می‌کنند. یکی از مشکل‌تراش‌ترین گسل‌های موجود بین جوامع، گسل اعتقادی و دینی است، مثل گسل‌های زلزله. اگر چنانچه این گسل فعال بشود، خیلی آسان نمی‌شود این گسل را خاموش کرد. جنگ‌های صلیبی دویست سال طول کشید و واقعا صلیبی بود؛ واقعا جنگ دینی بود و روی تعصبات دینی این کار انجام گرفت. نمی‌گذارند، نمی‌خواهند بگذارند. باید بر خواست دشمن فائق آمد. اینکه امام بزرگوار ما از قبل از پیروزی انقلاب روی وحدت دنیای اسلام و وحدت شیعه و سنی این همه تکیه کرده‌اند، به خاطر همین است، چون قدرت دنیای اسلام ناشی از اتحاد است و دشمن عکس این را می‌خواهد و به عکس این عمل می‌کند و تلاش می‌کند. این درس امروز ما از حضرت است.

البته این را هم خودمان و مردم کشور خودمان توجه داشته باشیم که اگر می‌خواهیم پیام ما، پیام وحدت ما، در دنیا صادقانه تلقی بشود، باید بین خودمان این اتحاد را ایجاد کنیم. اختلاف سلیقه و اختلاف نظر و اختلاف‌های سیاسی و امثال اینها نباید در همدستی و هم‌بازویی و همگامی ملت و همدلی ملت تأثیر بگذارد؛ دنبال اهداف حقیقی باید حرکت کنیم. اگر این اتفاق افتاد، آن‌وقت دیگر دشمن نمی‌تواند به موجود لجن فاسد خبیثی مثل رژیم صهیونی این اجازه را بدهد که این همه جنایت را در این منطقه انجام بدهد. امروز ببینید رژیم صهیونی چه می‌کند! یعنی جنایت‌هایی که انجام می‌دهند بدون شرم، بدون پنهان‌کاری [است]؛ در غزه یک جور، در کرانه باختری یک جور، در لبنان یک جور، در سوریه یک جور؛ جنایت می‌کنند به معنای واقعی کلمه. طرف‌شان مرد جنگی نیست، طرف‌شان آحاد مردمند. در فلسطین به مردان جنگی نتوانستند ضربه‌ای وارد کنند، خشم جاهلانه و خباثت‌آلود خود را سر بچه‌های کوچک، سر بیماران بیمارستان‌ها، سر مدارس فرزندان نورسیده خالی کردند. این به خاطر این است که ما از قدرت درونی خودمان استفاده نمی‌کنیم؛ باید استفاده کنیم. این قدرت درونی می‌تواند رژیم صهیونی را، این غده سرطانی خبیث را از قلب جامعه اسلامی یعنی فلسطین بردارد و ازاله کند و نفوذ و تسلط و دخالت زورگویانه آمریکا را در این منطقه از بین ببرد؛ [ما] می‌توانیم.

امروز قدم اول و اولین کار در اتحاد دنیای اسلام ضد این باند جنایتکار و باند تروری که بر فلسطین حکومت می‌کنند و قصف کردند سرزمین فلسطین را، این است که کشورهای اسلامی ارتباطات اقتصادی‌شان را به‌کلی با این باند جنایتکار قطع کنند؛ این دیگر کمترین کاری است که می‌توانند انجام بدهند؛ باید این کار انجام بگیرد. ارتباطات اقتصادی را از بین ببرند، ارتباطات سیاسی را تضعیف کنند، حملات مطبوعاتی، حملات رسانه‌ای را تقویت کنند و صریحا ابراز کنند و نشان بدهند که درکنار ملت مظلوم فلسطین قرار دارند.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال همه ما را هدایت کند؛ دولت‌ها را، ملت‌ها را، خواص را، مجموعه‌های فعال را هدایت کند تا بتوانیم این وظیفه را انجام بدهیم.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

جدیدترین کنش سیاسی اپوزیسیون در آمریکا

سالن پُرکن نتانیاهو

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

فعلا از رویای پادشاه شدن و برگشتن به ایران، سخنرانی در اجلاس اسرائیلی ـ آمریکایی نصیب ربع‌پهلوی شده است. سهم رضا پهلوی از اجلاس، تجمع ۱۰، ۱۵ نفر بیرون از محل برگزاری جلسه در حمایت از او و البته تعدادی صندلی در ردیف‌های آخر این اجلاس هم بود. حمایت علنی رژیم از براندازها و ابراز علنی همراهی براندازها از رژیم در روزهای ناآرامی ۱۴۰۱ شروع شد و وقتی رضا پهلوی در شرایطی که رژیم صهیونیستی در بدترین شرایط خود در منطقه قرار داشت، به آنجا رفت، تقریبا این همکاری برای همه روشن شد. مشخص است که آنها برای سخنرانی در این اجلاس‌ها دنبال جلب‌نظر افکار عمومی داخل ایران نیستند، مسیر همچنان جلب‌نظر کارفرمایان برای جذب پول و بودجه بیشتر از آنهاست.

کمپین فشار ربع‌پهلوی به نام حمایت از ایران!

«برای سرنگونی نیاز به رهبری آمریکا، اسرائیل و یک شریک ایرانی داریم.» این بخشی از صحبت‌های ربع‌پهلوی در این اجلاس است و منظور او از شریک ایرانی هم خودش است. البته او درحالی قصد دارد بگوید شریک مناسبی برای آنهاست که در همین مرحله میان براندازان دعواهای زیادی وجود دارد. دوسالی از ماجرای دعوای براندازهای خارج‌نشین درباره اینکه بالاخره چه کسی رئیس است، می‌گذرد. یک سر این دعوا به رضا پهلوی می‌رسد، او برای اینکه ثابت کند طرفداران زیادی دارد، کمپین «وکالت می‌دهم» را راه انداخت اما درنهایت تلاش و تبلیغ رسانه‌ای، تعداد امضاها حتی به نیم‌میلیون هم نرسید. واقعیت ماجرا این بود که ربع‌پهلوی حتی در میان براندازان خارج‌نشین هم محبوب نبود و همین تکروی‌های او باعث شد منشور همبستگی براندازان از هم بپاشد. نکته مهم دیگری که او را به یک چهره منفور حتی در میان ایرانیان خارج‌نشین تبدیل کرده بود، حمایت صریح و علنی او از اعمال فشار و تحریم بر مردم ایران، برای تحقق براندازی بود. ربع‌پهلوی در بخشی از سخنرانی خود در این اجلاس هم دوباره به این موضوع اشاره کرد و گفت که «راه براندازی بازگشت فشار حداکثری، برحکومت است.» که معنای صریح آن همان تشدید تحریم‌ها علیه ایران است.

بنیادی برای براندازی

سال ۹۵ چند روزی مانده به شروع ریاست‌جمهوری ترامپ، نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور جدید آمریکا منتشر شد که از او خواسته بودند تحریم‌ها علیه ایران را تشدید و در توافق هسته‌ای با ایران تجدیدنظر کند. نامه از جانب ۳۰ نفر که خود را ایرانی می‌نامیدند، منتشر شد. دوسال بعد ۱۸ نفر از این ۳۰ نفر بنیادی با نام فرشگرد تشکیل دادند تا ایده براندازی را جدی‌تر پیش بگیرند، تشکیلات به پهلوی‌ها وابسته بود و با حمایت آنها اداره می‌شد، موضع صریح آنها هم این بود که رضا پهلوی می‌تواند عامل وحدت میان نیروهای سکولار و دموکرات مخالف جمهوری اسلامی باشد. مسیری که آنها برای براندازی دنبال می‌کنند در نامه به ترامپ به‌وضوح خود را نشان داد، فشار حداکثری به ایران از طریق اعمال و تشدید تحریم‌ها و درگام بعد حمله نظامی به ایران بود. یکی از مؤسسان و شخصیت‌های کلیدی این بنیاد هم سعید قاسمی‌نژاد است. او از مشاوران ارشد بنیاد دفاع از دموکراسی است که پیش از این در ایران بود و در جریان ناآرامی‌های کوی دانشگاه در سال ۸۲ بازداشت شده بود. نکته مهمی که درباره قاسمی‌نژاد موردتوجه قرار داشت، این بود که او مدتی در ایران حضور داشته، کار کرده و تقریبا شناخت دقیق‌تری از افرادی دارد که سال‌ها در ایران زندگی نکرده‌اند.

فرشگردها به تل‌آویو رسیدند

رئیس‌جمهور آمریکا اما بر مداری که فرشگردی‌ها می‌خواستند حرکت نکرد، اگرچه کمپین فشار حداکثری علیه ایران به راه افتاد، اما خبری از براندازی نبود. فرشگردی‌ها ناامید از ترامپ، در تیر ۱۴۰۰ این بار نامه‌ای به بنت نخست‌وزیر جدید رژیم صهیونیستی نوشتند و از او خواستند تا برای تضعیف ایران، سپاه پاسداران را تضعیف کند. این نقطه‌ای بود که خط وربط براندازها با اسرائیل را علنی کرد. این مسیر ادامه پیدا کرد تا ناآرامی‌های ۱۴۰۱ و جلسه مشترک صهیونیست‌ها با چهره‌های برانداز و سفر ربع‌پهلوی به سرزمین‌های اشغالی در روزهایی که شرایط منطقه‌ای برای رژیم صهیونیستی بهتر از امروز بود اما در آن روزها در بدترین حالت خود قرار داشت. در آن برهه زمانی سفر ربع‌پهلوی با انتقادهای زیادی حتی از جانب چهره‌های برانداز همراه شد و این اقدام او را بی‌عقلی و عدم درک شرایط دانستند. اما واقعیت ماجرا این بود که ایده براندازان برای نابودی ایران، حمله نظامی و تصرف نظامی ایران از جانب یک قدرت خارجی بود. در این مسیر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها قطعا با آنها همراه نبودند و تنها رژیمی که احتمال می‌رفت در دنبال کردن این ایده با آنها همراهی کند، رژیم صهیونیستی بود. درواقع ربع‌پهلوی تصور می‌کرد اگر در زمین رژیم بازی کند، می‌تواند حمایت آنها برای حمله به ایران را جلب کند و حالا نیز با همان خط در اجلاس‌هایی با نام رژیم صهیونیستی شرکت می‌کند.

فقط کارفرمای صهیونیستی باقی‌مانده

اعلام صریح حمایت ربع‌پهلوی از رژیم، آن هم درست در روزهایی که بسیاری از کشورهای جهان به خاطر جنایات صهیونیست‌ها سکوت را شکسته‌اند و صراحتا اقداماتش را محکوم می‌کنند، اقدامی است که حتی با ارزش‌های انسانی در تناقض است و برای آنها حمایتی از جانب افکار عمومی به‌همراه نخواهد داشت. اما واقعیت ماجرا این است که آنها می‌دانند بعد از شکست مفتضحانه‌ای که در ۱۴۰۱ خوردند حالا تنها رژیم صهیونیستی حاضر است از آنها حمایت کند. البته کارکرد آنها نیز برای رژیم حضور در چنین اجلاسی با نام نماینده ایران است تا خوراکی برای رسانه‌های فارسی‌زبان فراهم و این‌طور القا کنند که همه ایرانیان مخالف رژیم نیستند. اما نکته جالب ماجرا این است که آنها نیز می‌دانند نمی‌توانند حساب چندانی روی براندازانی مثل ربع‌پهلوی باز کنند. تصاویر حضور ۱۰، ۱۵ نفر از طرفداران ربع‌پهلوی بیرون محل اجلاس آن هم درحالی‌که اینترنشنال این‌طور القا می‌کرد که برخی طرفداران به خاطر شلوغی جمعیت بیرون از محل اجلاس نشسته‌اند، انتقال ربع‌پهلوی به انتهای جلسه برای آنکه جان دونالد ترامپ تهدید نشود، حداقل اثبات می‌کند که ربع‌پهلوی در بهترین حالت در قالب یک نمایش چند دقیقه‌ای برای صهیونیست‌ها کارکرد دارد و چیزی بیش از این نیست. واقعیت ماجرا این است شکستی که آنها در پاییز ۱۴۰۱ خوردند، غربی‌ها و البته صهیونیست‌ها را به این نتیجه رسانده که براندازی در ایران اساسا ممکن نیست و اگر در دستور کار آنها باشد، قطعا ربع‌پهلوی فردی نیست که بتواند حتی در میان براندازان اجماعی ایجاد کند. شاید بهترین موفقیت برای رضا پهلوی از شرکت در این اجلاس‌ها جذب بودجه بیشتر برای گذران زندگی خود به نام مبارزه مدنی باشد.